



بررسی و نقد دلایل مخالفان برپایی

جشن میلاد پیامبر ﷺ

محمد علی فاطمی نژاد*

چکیده

«احتفال بمولد النبی» یا جشن میلاد پیامبر ﷺ ازجمله مراسم‌هایی است که از گذشته در میان مسلمانان رواج داشته است و به‌عنوان نمادی از محبت و ارادت به شخصیت والای آن حضرت شناخته می‌شود. بااین حال، برخی از علمای مذاهب اسلامی به دلایلی، ازجمله بدعت دانستن این مراسم، عدم اهتمام سلف به آن، عبادت غیر خدا، استناد به روایت «لا تتخذوا قبری عیداً»، تشبه به کفار و لوازم فاسد، آن را حرام می‌دانند و برگزارکنندگان این جشن را بدعت‌گذار در دین و گمراه می‌خوانند. نویسنده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد دلایل مخالفان در این بحث پرداخته است و هریک از این دلایل را به تفصیل بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ادعای مخالفان مبنی بر حرمت و بدعت بودن احتفال، بی‌پایه و اساس است. براساس آیات قرآن و منابع معتبر روایی، برگزاری این جشن نه تنها حرام نیست، بلکه پیامبر اکرم ﷺ نیز به آن تأکید و سفارش داشته‌اند. علاوه بر آیات و روایات، سیره مسلمین و علمای مسلمان در قرون متمادی بر برگزاری چنین مراسمی تأکید دارد. این پژوهش به بررسی دلایل اصلی مخالفان و ضرورت تحلیل علمی در خصوص جشن میلاد پیامبر ﷺ می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: احتفال، مولد النبی، جشن ولادت، پیامبر ﷺ، بدعت.

طرح مسئله

برپایی جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یک عمل فرهنگی و مذهبی، همواره موضوعی بحث برانگیز در جوامع اسلامی بوده است. این جشن به عنوان نمادی از احترام و ارادت به شخصیت والای پیامبر صلی الله علیه و آله تلقی می شود و فرصتی برای تجدید عهد با آموزه های اسلامی فراهم می آورد. با این حال، برخی گروه ها و اندیشه های مخالف، برگزاری این مراسم را به عنوان بدعتی غیرمجاز و خارج از دایره سنت اسلامی معرفی می کنند. این نگرش ها نه تنها به بروز تنش های مذهبی میان مسلمانان منجر شده است، بلکه به اختلافات عمیق تری در تفسیر مفاهیم دینی و اصول فقهی دامن زده است.

در این راستا، بررسی دقیق و علمی دلایل مخالفان برپایی جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله ضرورت دارد. این پژوهش به تحلیل و نقد استدلال های آنان می پردازد و سعی دارد با ارائه شواهد و مستندات معتبر، به تبیین مشروعیت برگزاری این جشن بپردازد. هدف این تحقیق، روشن کردن حقیقت موضوع و بررسی مبانی کلامی و دینی مخالفان است تا بتواند به درک بهتر این مسئله کمک کند.

از آنجایی که اختلافات در این زمینه می تواند به ایجاد تنش های مذهبی منجر شود، ضروری است که یک تحلیل جامع و علمی از این موضوع صورت گیرد. این پژوهش به دنبال ارائه یک دیدگاه مستند و علمی در خصوص برپایی جشن میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و نقد دلایل مخالفان آن است و می تواند به تبیین ابعاد مختلف این موضوع کمک کند.

پیشینه تحقیق

موضوع جواز یا عدم جواز برپایی جشن به مناسبت میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره میان مذاهب اسلامی به مجالی برای بحث و مناظره های عمیق تبدیل شده است. مخالفان برگزاری جشن میلاد، این عمل را به نوعی تحریف دین و خروج از دایره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند. این نگرش، به ویژه در آثار و نوشته های برخی از علمای معاصر و قدیم، مشاهده می شود. از جمله آثار علمای قدیم می توان به کتاب المورد فی عمل المولد، تألیف تاج الدین

فاکهانی (م ۷۳۴ق) و کتاب المدخل ابن حاج (م ۷۳۷ق) که مستقلاً به نقد مراسم مولد النبی پرداخته‌اند، اشاره کرد. در میان علمای معاصر نیز، صالح الفوزان در کتاب البدع مسئله احتفال را بررسی کرده است و همچنین بن باز در اثری مستقل، تحت عنوان حکم الاحتفال بمولد النبی دلایلی در رد برپایی این جشن اقامه کرده است. در مقابل، موافقان برپایی جشن میلاد نیز آثار متعددی را به رشته تحریر درآورده‌اند که آثار مهم آن حسن المقصد فی عمل المولد، نوشته سیوطی (م ۸۸۴ق)، البیان النبوی عن احتفال بمولد النبی، نوشته محمود احمد زین و اهداف الاحتفال بمولد سید الانام محمد، نوشته سعید رمضان بوطی است. علاوه بر این آثار، مقاله‌ای تحت عنوان «نقد دیدگاه ابن تیمیه در احتفال بمولد النبی ﷺ»، نوشته علی اکبر لطفی، به بررسی و نقد دلایل ابن تیمیه در این زمینه پرداخته است. همچنین، مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه در تشبیه به کفار بودن جشن میلاد پیامبر ﷺ»، به قلم سید مصطفی هاشمی نجف‌آبادی، در نقد دلایل ابن تیمیه نگاشته شده است. لازم به ذکر است که این دو مقاله به‌طور خاص به نقد مطالب ابن تیمیه پرداخته‌اند و دلایل مخالفان دیگر را بررسی نکرده‌اند؛ از این رو، در این نوشته، ضمن تعریف مفاهیم «بدعت» و «احتفال»، دلایل اصلی مخالفان در باب «احتفال» بیان می‌شود و به نقد علمی آن از منابع معتبر اهل سنت پرداخته خواهد شد. با توجه به عدم وجود یک تحقیق جامع و علمی در زمینه حکم این عمل در مجلات علمی فارسی‌زبان و با در نظر گرفتن اهمیت و ضرورت این موضوع، این پژوهش به دنبال بررسی ادله مخالفان و موافقان برپایی جشن میلاد پیامبر ﷺ است. این بررسی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام خواهد شد و در نهایت، ضمن نقد و ارزیابی ادله موجود، حکم این عمل به‌طور مستند و علمی بیان خواهد شد.

۱. مفهوم بدعت

شک و تردیدی نیست که بدعت در دین از امور حرام و نکوهش شده است؛ اما برای تبیین

حقیقت معنای بدعت و اینکه چه اعمالی بدعت در دین محسوب می‌شود، ابتدا باید مفهوم بدعت بررسی شود.

بدعت در لغت به معنای «ایجاد» و «نوآوری» است.^۱ در زبان عربی، واژه بدعت به معنای «ایجاد چیزی که قبلاً وجود نداشته است»^۲ به کار می‌رود. در اصطلاح دینی، تعاریف متعددی پیرامون بدعت بیان شده است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری می‌نویسد: «بدعت عبارت است از هر چیزی که برخلاف شرع وضع شود.» و تأکید می‌کند که «بدعت به معنای ایجاد اموری در دین است که قبلاً وجود نداشته‌اند».^۳

ابن رجب حنبلی نیز در کتاب جامع العلوم بیان می‌کند: «بدعت به معنای ابداع چیزی در دین است که براساس شریعت وجود ندارد و هر بدعتی به گمراهی منجر می‌شود».^۴ با دقت در تعریف بدعت نزد علمای اهل سنت، این مطلب به دست می‌آید که همه آنان بر اینکه بدعت بر اموری اطلاق می‌شود که پیشینه شرعی و دلیلی بر آن نباشد، اتفاق نظر دارند.

۲. مفهوم احتفال

احتفال به معنای جمع و اجتماع است و واژه «محفل» نیز از همین ریشه نشئت گرفته است.^۵ در این زمینه، تفاوتی میان محفل و مجلس وجود دارد؛ در محفل، شرط کثرت جمعیت لحاظ می‌شود، درحالی‌که در مجلس این شرط الزامی نیست.^۶ بنابراین، احتفال به معنای اجتماع مردم است و باید مشخص شود که این اجتماع به چه مناسبت برگزار

۱. جوهری، اسماعیل، الصحاح تاج اللغة والصاح العربیة، ج ۱، ص ۱۱۸۳.

۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری فی شرح الصحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۵.

۴. ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن، جامع العلوم و الحكم، ج ۲، ص ۱۲۸.

۵. ابن فارس، احمد، معجم المقایس اللغة، ج ۲، ص ۸۱؛ ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۵۶.

۶. حسینی زبیدی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۸، ص ۳۰۹.

می‌شود. به همین دلیل، اصطلاح «مولد النبی» به عنوان مضاف‌الیه در نظر گرفته می‌شود، که به معنای اجتماعی به مناسبت ولادت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است.

در حالی که امروزه اصطلاح «احتفال بمولد النبی» به مراسم جشن ولادت پیامبر اطلاق می‌شود، این تعبیر در منابع قدیم چندان دیده نمی‌شود و حتی پس از رواج چنین مراسم‌هایی، عنوان «احتفال» بر آن‌ها اطلاق نمی‌شد. در دوره‌های مختلف تاریخ، تنها عبارت «مولد النبی» به کار می‌رفت. به عنوان مثال، در کتاب‌هایی مانند *المورد فی عمل المولد*، تألیف فاکهانی (م ۷۳۴ق) و *المدخلی ابن حاج* (م ۷۳۷ق) که به نقد مراسم مولد النبی پرداخته‌اند، اثری از این اصطلاح دیده نمی‌شود.^۱

کاربرد اصطلاح «احتفال» در معنای مجالس جشن و شادی به تدریج و هم‌زمان با گسترش این مراسم در میان اهل سنت رونق پیدا کرد. در کتب تاریخی که این مراسم را توصیف کرده‌اند، این عبارت به وفور مشاهده می‌شود.^۲ ابن خلکان (م ۶۸۱ق)، به عنوان یکی از تاریخ‌نگاران قرن هشتم، به خوبی این مراسم را توصیف کرده است.^۳ همچنین، ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ق) در این باره به معنای اجتماع مردم در روزهای خاصی، مانند عاشورا، مولد النبی، شب اسراء و معراج و شب نیمه شعبان، اشاره کرده است.^۴ دیگر تاریخ‌نگاران، مانند ذهبی^۵ (م ۷۴۸ق) و ابن کثیر دمشقی^۶ (م ۷۷۴ق)، نیز این واژه را در معنای جشن و شادی به کار برده‌اند.

از آن زمان به بعد، کاربرد واژه «احتفال» در معنای مورد نظر گسترش یافته است و کتاب‌های متعددی با این عنوان نوشته شده است.^۷

۱. چگینی، رسول، «مراحل تطور احتفال میلاد پیامبر در گذر زمان، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲.

۲. ابن اثیر جزری، علی، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، ج ۵، ص ۱۶۷.

۳. ابن خلکان، احمد، *وفیات الاعیان و انباء الزمان*، ج ۴، ص ۱۱۷.

۴. ابن تیمیه، احمد، *اقتضاء الصراط المستقیم*، ج ۱، ص ۴۰.

۵. ذهبی، محمد، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۲، ص ۳۳۶.

۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *البدایة والنهاية*، ج ۱۳، ص ۲۸۸.

۷. چگینی، رسول، «مراحل تطور احتفال میلاد پیامبر در گذر زمان»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲.

۳. استدلال‌های مخالفان بر جایز نبودن جشن میلاد

۱.۳. جشن میلاد امری نوپدید و بی‌ریشه در دین است

اصلی‌ترین دلیل مخالفان در رد مسئله جشن میلاد، بدعت بودن آن است. مخالفان بر این باورند، که هر امر جدید در دین بدعت محسوب می‌شود و هر بدعتی موجب گمراهی و ضلالت است.^۱ بنابراین، احتفال که امری جدید در دین به شمار می‌رود، در دایره بدعت قرار می‌گیرد و براساس احادیث، باید از کلیه بدعت‌ها دوری کرد، زیرا بدعت‌ها موجب گمراهی افراد می‌شوند.^۲

۱.۱.۳. نقد و بررسی

۱.۱.۱.۳. جواب حلی

خلط بین معنای لغوی و اصطلاحی

در استدلال، اشکال‌کننده بین معنای لغوی و اصطلاحی بدعت خلط کرده است. بدعت در لغت به معنای هر نوآوری و امر جدید است^۳ و شامل امور دینی و غیردینی می‌شود.^۴

مخالفان نیز بدعت‌های لغوی غیردینی، مانند دانشگاه‌سازی و سازمان‌های امر به معروف، را جایز می‌شمارند.^۵ اما آنچه نکوهش و نهی شده است، بدعت اصطلاحی است، بدعت اصطلاحی به هر امر نو و جدیدی اطلاق می‌شود که دو شرط اساسی داشته باشد: ۱. به دین و شرع مقدس نسبت داده شود؛ ۲. اصل و مستندی در دین نداشته باشد.^۶ در نتیجه، هر عملی که این دو شرط را دارا باشد، زیرمجموعه بدعت اصطلاحی قرار

۱. ابن‌عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۴۵.

۲. همان.

۳. فیروزآبادی، محمد، قاموس المحيط، ص ۷۰۲.

۴. جوهری، اسماعیل، الصحاح تاج اللغة والصحاح العربية، ج ۳، ص ۱۱۸۳.

۵. علماء نجد، الدرر السنية في اجوبة النجدة، ج ۱، ص ۲۳۷.

۶. بن باز، عبدالعزيز، مجموع الفتاوى، ج ۲، ص ۳۴۵.

می‌گیرد و موجب ضلالت و گمراهی می‌شود.^۱

جشن میلاد، از ذیل تعریف بدعت اصطلاحی خارج می‌شود؛ زیرا هرچند که برای جشن میلاد رسول الله ﷺ دلیل خاصی وجود ندارد، اما عمومات بسیاری وجود دارد که این عمل را در دایره مشروعیت قرار می‌دهد.^۲

جشن میلاد تحت اصول و عمومات زیادی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال ابن حجر عسقلانی، در کتاب الحاوی للفتاوی، به اصل مهمی اشاره می‌کند. او درباره روزه روز عاشورا می‌نویسد که حضرت رسول الله ﷺ پس از ورود به مدینه، مشاهده کردند که اهل یهود این روز را روزه می‌گیرند.

اهل یهود گفتند که این روز را به دلیل جلب منافع و دفع بلاهای بنی اسرائیل روزه می‌گیرند. از آن زمان حضرت رسول ﷺ دستور دادند که مسلمانان نیز این روز را روزه بگیرند تا شکرگزاری خداوند را کرده باشند.^۳

ابن حجر در ادامه توضیح می‌دهد که این دستور حضرت رسول ﷺ برای اظهار شکر و تشریع بر امت بوده است و می‌توان به قیاس اولویت استناد کرد که مسلمانان باید روز ولادت حضرت رسول را نیز به دلیل شکرگزاری و تجلیل از وجود ایشان جشن بگیرند.^۴

۲.۳. رسول الله ﷺ و سلف جشن میلاد را برگزار نکرده‌اند

دومین دلیل مخالفان در نقد جشن میلاد، عدم برگزاری آن توسط رسول الله ﷺ و صحابه و تابعین است.

آن‌ها معتقدند که رسول الله ﷺ هیچ‌گاه احتفال به مولد النبی را مجاز ندانسته‌اند و صحابه نیز به این عمل مبادرت نکرده‌اند؛ بنابراین، جشن میلاد امری جدید و نوپدید است که باید از آن اجتناب کرد.^۵

۱. ابن عبد الوهاب، عبد الرحمن، رسائل و فتاوی، ص ۳۹.

۲. ابن شیخ، احمد، النجوم الزاهرة، ص ۱۴؛ علم الهدی، سید مرتضی، الرسائل، ج ۳، ص ۸۳.

۳. سیوطی، عبد الرحمن، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۲۹.

۴. همان.

۵. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ ابن عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۴۶.

۱.۲.۳. بررسی و نقد

۱.۱.۲.۳. جواب نقضی

با بررسی آیات قرآن فهمیده می‌شود که عمل احتفال مورد تأیید خدا و رسول خدا ﷺ بوده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛^۱ «(ای رسول) ما تو را نفرستادیم، مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی.»

در این آیه خداوند رسول الله ﷺ را مایه رحمت برای جهانیان معرفی می‌کند و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»؛^۲ «بگو که باید منحصراً به فضل و رحمت خدا شادمان شوند که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که می‌اندوزند.»

در این آیه نیز مفسران بر این باورند که مصداق «فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا» وجود مقدس حضرت رسول ﷺ است.^۳ در نتیجه از آنجایی که پیامبر به‌عنوان بزرگ‌ترین رحمت الهی برای بندگان است، باید به واسطه میلاد این مصداق بارز رحمت الهی، شکر خداوند را به جا آورد و شاد بود.^۴

بنابراین، برگزاری جشن در روز میلاد آن حضرت یکی از مصادیق شادمانی و ابراز سرور است که قرآن کریم به آن امر کرده است.

۲.۱.۲.۳. جواب حلی: برگزاری جشن توسط رسول الله ﷺ و سلف

۱. عدم برگزاری جشن میلاد توسط رسول الله ﷺ و صحابه دلیلی بر عدم جواز آن نیست. در تاریخ اسلام موارد متعددی وجود دارد که صحابه به اعمالی مبادرت کردند که رسول الله ﷺ به آن‌ها عمل نکرده بودند. به‌عنوان مثال طبق نظر وهابیت، قرآن در دوران خلیفه سوم جمع‌آوری شد، درحالی‌که رسول الله ﷺ به این کار مبادرت نکردند، اما

۱. سورة انبیاء، آیه ۱۰۷.

۲. سورة یونس، آیه ۵۸.

۳. آلوسی، محمود، روح المعانی، ج ۶، ص ۱۳۳.

۴. مالکی حسنی، محمد بن علوی، حول الاحتفال بذکری المولد النبوی الشریف، ص ۱۲.

صحابه به آن عمل کردند.^۱ همچنین، تدوین کتب به شکل امروزی نیز توسط صحابه انجام نشد، اما آیندگان به تدوین کتاب پرداختند.^۲

بنابراین، عمل نکردن پیامبر ﷺ و صحابه نمی‌تواند دلیلی بر جواز یا عدم جواز عملی باشد.

چنان‌که امام شافعی نیز بیان کرده است: «هر چیزی که اصلی از شرع داشته باشد، بدعت نیست، هرچند سلف به آن عمل نکرده باشند».^۳ و حتی خود ابن تیمیه نیز قائل است که تمسک به استصحاب حال عدم چیزی، ضعیف‌ترین دلیل است و کوچک‌ترین مرجح و دلیلی بر آن غلبه دارد.^۴

پس در نتیجه این که بگوییم سلف به برگزاری جشن میلاد اهتمام نداشته است، دلیلی گزاف و پوچ است. زیرا قبلاً ثابت شد که سلف به آن عمل کرده است و حال اگر پذیرفته شود که سلف به احتفال عمل نکرده است، این استصحاب حال عدم، با کوچک‌ترین دلیل کنار گذاشته می‌شود و آن دلیل هرچند عام باشد، بر استصحاب حال عدم مقدم می‌شود.

۲. شاید پیامبر ﷺ و سلف به این امور عمل کرده باشند، ولی ما به آن اطلاع نداشته باشیم و صرف عدم اطلاع دلیلی نمی‌شود که سلف به آن اهتمام نداشته باشد. پس نمی‌توان جشن میلاد را جزء بدعت‌ها دانست، زیرا احتمال دارد که سلف به آن عمل کرده است؛ ولی ما به آن اطلاع نداشته باشیم.

پیرو همین استدلال، ابن قیم در کتاب الروح می‌نویسد: «اینکه کسی بگوید فلان کار جایز نیست، چون سلف انجام نداده‌اند، دلیل بر جهل و عدم علم گوینده است، چه‌بسا سلف این کار را انجام داده‌اند و کسی شاهد بر آن نبوده است».^۵

۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۲ ص ۱۵۰.

۲. مالکی حسنی، محمد بن علوی، حول الاحتفال بذکری المولد النبوی الشریف، ص ۱۵.

۳. غماری، عبدالله، اتقان الصنعة في تحقق معنی البدعة، ص ۹۷.

۴. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۳، ص ۱۵.

۵. ابن قیم، محمد، الروح، ص ۱۴۳.

۳. در بیان بزرگان زیادی از سلف و تابعین داریم که امر به برگزاری جشن میلاد حضرت رسول ﷺ کرده‌اند و برای انجام‌دهنده آن، ثواب بسیار بیان کرده‌اند. به دو نمونه از بیانات صحابه و تابعین اشاره می‌شود:

۱. حسن بصری تابعی (م ۱۱۰ ق) در فضیلت و ثواب میلاد این چنین بیان می‌کند: «ای کاش به اندازه کوه احد طلا می‌داشتم که برای میلاد حضرت رسول خرج می‌کردم.»^۱

۲. معروف کرخی (م ۲۰۰ ق) نیز در فضیلت برپایی میلاد حضرت رسول ﷺ می‌آورد: «هرکس برای قرائت ولادت حضرت رسول، غذا درست کند و برادرانش را جمع کند، چراغی روشن کند، جامه نو بپوشد و خوش بو کند. خداوند او را در روز قیامت با گروه اول پیامبران محشور می‌کند.»^۲

حال با بررسی کلام دو تن از تابعین به این نتیجه می‌رسیم که نه تنها سلف، برپایی جشن میلاد را نکوهش نکرده‌اند، بلکه امر به اجرای آن داشته‌اند.

۳.۳. برگزاری مراسم جشن و شادی در ولادت‌ها نوعی تعظیم و عبادت غیر خدا محسوب می‌شود

یکی دیگر از دلایل مخالفان برپایی جشن میلاد، این است که این اعیاد به نوعی عبادت غیرخداوند محسوب می‌شود. به اعتقاد آن‌ها، برگزاری این مراسم‌ها سبب تعظیم و بزرگداشت شخصیت‌های غیرالهی می‌شود و این امر می‌تواند به نوعی از خلوص توحید بکاهد و به پرستش غیرخدا منجر شود.

چنان که عبدالرحمن بن حسن آل‌شیخ در کتاب فتح المجید می‌نویسد: «این‌ها مراسمی‌اند که امروزه مردم آن‌ها را "مولدها و یادبودها" می‌نامند، این نوعی عبادت و تعظیم برای آن‌ها به شمار می‌آید.»^۳

۱. بکری دمیاطی، عثمان، اعانة الطالبین، ج ۳، ص ۴۱۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۱۵.

۳. ابن‌عبدالوهاب، عبدالرحمن، فتح المجید شرح عقیده التوحید، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۱.۱.۳.۳. جواب حلی: خلط بین عبادت و تعظیم

۱. این اشکال ناشی از خلط بین عبادت و تعظیم است. عبادت به معنای خاص خود، به خضوع و تسلیم در برابر خداوند اشاره دارد، در حالی که تعظیم به معنای احترام و بزرگداشت شخصیت‌ها و مقدسات است.^۱ بنابراین، برگزاری جشن‌ها و یادبودها به معنای عبادت کردن شخصیت‌ها نیست، بلکه به معنای ابراز احترام و محبت به آن‌هاست.

سید محسن امین در کتاب کشف الارتیاب این نکته را ابراز می‌دارد:

عبادت به معنای لغوی آن، که به معنای مطلق ذلت، خضوع و انقیاد است، قطعاً نه شرک است و نه کفر. در غیر این صورت، همه مردم، از زمان آدم تا به امروز، کافر خواهند بود؛ زیرا عبادت به معنای اطاعت و خضوع از هیچ کس خالی نیست. بنابراین، باید کفر مملوک، همسر، فرزند، خدمتکار، کارگر، رعیت، سربازان و همه کسانی که به یکدیگر اطاعت می‌کنند، نیز در نظر گرفته شود. حتی کفر انبیا نیز باید در نظر گرفته شود، زیرا آن‌ها نیز به پدران خود اطاعت می‌کنند و خضوع دارند. خداوند اطاعت از والدین را واجب کرده است و به رسولش ﷺ فرمان داده است که «و برای کسانی که از تو پیروی می‌کنند، خضوع کن» و همچنین او را به تعظیم و احترام فراخوانده است. او همچنین اطاعت همسر از شوهر را واجب کرده است و اطاعت بندگان از مولای خود را نیز واجب دانسته است و آن‌ها را «عبید» نامیده است. بنابراین، این امور که به طاعت و خضوع مربوط می‌شوند و همچنین آنچه که به عنوان عبادت نامیده می‌شود، کفر و ارتداد را به دنبال ندارد؛ در غیر این صورت، هیچ کس از آن مصون نخواهد بود.^۲

این بیان به وضوح نشان می‌دهد که تعظیم و احترام به شخصیت‌ها نمی‌تواند به معنای عبادت آن‌ها باشد. در واقع، احترام و بزرگداشت شخصیت‌های مذهبی، نه تنها به معنای عبادت نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک عمل اجتماعی و فرهنگی در راستای تقویت پیوندهای دینی و انسانی در جامعه مسلمانان تلقی شود.

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. حسینی عاملی، سید محسن امین، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص ۱۰۳-۱۰۶.

۲. تکریم و بزرگداشت بزرگان نیز با توجه به آیات قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم ﷺ جایز است و هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا تکریم و بزرگداشت بزرگان، عمل کردن به یکی از اصول اعتقادی دعوت شده در قرآن کریم و روایات است. خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به محبت و دوست داشتن پیامبر اکرم ﷺ دعوت کرده است و یادآوری می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ باید نزد مسلمانان از پدران، فرزندان، برادران، همسران، اقوام و اموالشان محبوب‌تر باشد^۱ و می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۲

(ای رسول ما، امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده‌اید و مال التجاره‌ای که از کسادى آن بیمناکید و منازلی را که به آن دل خوش داشته‌اید، بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید، منتظر باشید تا خدا امر خود را جاری سازد (و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیاطلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زبان‌کار شوید) و خدا فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

چند تن از صحابه پیامبر اکرم ﷺ نیز تأکید رسول گرامی اسلام ﷺ بر این اصل مهم را با الفاظ مختلف از زبان مبارک آن حضرت نقل کرده‌اند. چنان‌که بخاری از مالک بن انس نقل می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»^۳ «هیچ‌یک از شما ایمان نخواهد آورد، مگر اینکه من برای او محبوب‌تر از پدر و فرزند و همه مردم باشم».

ابن کثیر دمشقی با استناد به همین روایات، معتقد است مسلمانان باید پیامبر

اکرم ﷺ را بیشتر از فرزندان، اموال و جانشان دوست داشته باشند و می‌نویسد:

محبت به رسول الله ﷺ بر فرزندان و اموال و جان‌ها مقدم است، همان‌طور که در صحیح ثابت شده است که آن حضرت ﷺ فرمودند: «به جان خودم سوگند،

۱. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۱۳.

۲. سوره توبه، آیه ۲۴.

۳. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵.

هیچ‌یک از شما ایمان نخواهد آورد تا زمانی که من برای او محبوب‌تر از خود او، خانواده‌اش، اموالش و همه مردم باشم.»^۱

با توجه به مقدمات ذکرشده، برداشت می‌شود که برگزاری مراسم جشن و شادی در ایام تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام عبادت و پرستش پیامبر و ائمه علیهم السلام نیست؛ زیرا برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در این مراسم به الوهیت و ربوبیت پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام اعتقاد ندارند و معتقد به تفویض افعال خداوند به آنها نیز نیستند. بلکه مسلمانان با برگزاری این مراسم، مدیحه‌سرایی و نقل فضایل و مناقب آنان، به مدح و ستایش پیامبر و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام می‌پردازند و محبت و ارادت خود را به نبی مکرم اسلام و ائمه علیهم السلام اظهار می‌دارند.

۴.۳. استدلال به روایت «لا تتخذوا قبری عيداً»

مخالفان برپایی جشن، برای تحریم برگزاری مراسم جشن و شادی در ایام تولد پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام به روایت ذیل و روایات مشابه و هم‌مضمون آن تمسک کرده‌اند:^۲

لا تتخذوا قبری عيداً ولا تجعلوا بیوتکم قبوراً و حیثما کنتم فصلوا علیّ فإنّ صلاتکم تبلغنی؛^۳

قبر مرا عیدگاه قرار ندهید و خانه‌های خود را نیز قبر قرار ندهید و بر من صلوات و سلام فرستید؛ زیرا به تحقیق درود شما به من می‌رسد.

۱.۴.۳. بررسی و نقد

۱.۱.۴.۳. جواب حلی

۱. احمد بن حنبل در نقل دیگری از همین روایت، با عبارت «لا تجعلوا قبری وثناً»^۴ اشاره می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «قبر من را بت قرار ندهید». این نکته نشان می‌دهد که احتمال دارد ناقلین روایت در نقل آن دچار اشتباه شده باشند و آنچه از

۱. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البدایة والنهایة، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. ابن تیمیّه، احمد، اقتضاء صراط المستقیم، ص ۳۷۸.

۳. ابن حنبل، احمد، المسند، ج ۲، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۴۶۹.

پیامبر ﷺ صادر شده است عبارت «لا تجعلوا قبری وثناً» باشد، نه عبارت «لا تجعلوا قبری عيداً».

طبق نقل احمد بن حنبل، پیامبر ﷺ مسلمانان را از بت قرار دادن قبر، سجده کردن برای آن و نماز خواندن به سوی قبر شریفشان نهی کرده‌اند. این نهی به معنای جلوگیری از هرگونه عمل شرک آمیز و نادرست است، نه به معنای منع جمع شدن مسلمانان در کنار قبر و اظهار شادی و سرور به مناسبت تولد آن حضرت.^۱

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تأکید بر منع برگزاری جشن و شادی به مناسبت تولد پیامبر ﷺ ممکن است ناشی از سوء برداشت از مفاهیم این روایت باشد.

۲. عید به عنوان یک وصف زمانی شناخته می‌شود و می‌توان آن را به زمان نسبت داد. به عنوان مثال می‌توان گفت: «روز جمعه عید است» یا «روز غدیر خم عید است». اما نسبت دادن عید به مکان و استفاده از آن برای مکان نادرست است. بنابراین، نسبت دادن عید به قبر پیامبر اکرم ﷺ در روایت صحیح نیست، زیرا قبر ایشان یک مکان است و عید وصفی برای زمان است، نه مکان.^۲

۳. سند حدیث در هر دو نقل «لا تتخذوا قبری عيداً» و «لا تجعلوا قبری وثناً» ضعیف است. در نقل اول، عبدالله بن نافع در سند قرار دارد و در نقل دوم، سهیل بن ابی صالح وجود دارد. هر دو راوی را علمای رجال جرح کرده‌اند و روایات آن‌ها به طور کلی قبول نشده است. به همین دلیل، اعتبار این احادیث به لحاظ سندی زیر سؤال است و نمی‌توان به آن‌ها به عنوان دلایل قوی استناد کرد.^۳

بررسی سهیل بن ابی صالح

محمد بن اسماعیل بخاری درباره سهیل می‌نویسد: «سهیل به دلیل مرگ برادرش به شدت ناراحت شد و دچار مرضی شد و احادیث زیادی را فراموش کرد.»^۴ بخاری به همین

۱. عاملی، جعفر مرتضی، المواسم والمراسم، ص ۷۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۷۳.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۳۲.

دلیل به روایات سهیل احتجاج نکرده است و تنها به عنوان مؤید و در کنار روایات افراد دیگر از روایات سهیل بن ابی صالح استفاده کرده است.^۱

ابوحاتم رازی نیز، همچون بخاری، احادیث سهیل بن ابی صالح را قابل احتجاج نمی‌داند و می‌نویسد: «یکتب حدیثه و لا یحتج به».^۲

از یحیی بن معین نیز عبارات مختلف و متعددی همچون «ضعیف»،^۳ «حدیثه لیس بالحجه»^۴ و «لیس بالقوی فی الحدیث»^۵ در جرح و تضعیف سهیل بن ابی صالح نقل شده است.

بررسی عبدالله بن نافع

احمد بن حنبل، عبدالله بن نافع را صاحب حدیث ندانسته است و او را تضعیف می‌کند و می‌نویسد: «لم یکن صاحب حدیث و کان ضعیفاً».^۶

ابوحاتم رازی نیز او را حافظ حدیث نمی‌داند و با تردید در حفظ او می‌نویسد: «هو لین فی حفظه، لیس بالحافظ».^۷

بخاری نیز در حافظ بودن عبدالله بن نافع تردید کرده است: «فی حفظه شیء، یعرف حفظه و ینکر».^۸

در نتیجه، با بررسی اقوال علمای جرح و تعدیل، مشخص شد که روایت «لا تتخذوا قبری عیداً» و «لا تجعلوا قبری وثناً» از نظر سند ضعیف و مخدوش است. بنابراین، این روایات نمی‌توانند به عنوان دلیل معتبر مورد استناد مخالفان جشن میلاد قرار گیرد.

۱. همان.

۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۴۷.

۳. ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۶۰.

۴. بن عدی، عبدالله، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۴۴۷.

۵. ذهبی، محمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۲۴۳.

۶. همان، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۱۵.

۷. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، الجرح و الت تعديل، ج ۵، ص ۱۸۴.

۸. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۱، ص ۵۸۲.

۵.۳. جشن میلاد برگرفته از کفار است

پنجمین دلیل مخالفان در جایز نبودن احتفال، تشبه به کفار است. مخالفان بر این باورند که این عمل نوعی تشبه به کفار است و از آنجاکه تشبه به کفار حرام است، بنابراین جشن میلاد نیز حرام و مذموم است.^۱

۱.۵.۳. بررسی و نقد

۱.۱.۵.۳. جواب نقضی

اگر صرف تشبه به کفار موجب حرام شدن عملی باشد، بسیاری از اعمال دیگر نیز باید حرام اعلام شوند. درحالی که چنین مطلبی از دیدگاه وهابیت نیز مردود است. در جواب استفتایی از لجنة دائمة درباره روز درخت کاری و روز ملی عربستان، آمده است، که هرچند این کارها تشبه به کفار است، اما چون دارای مصلحت است، حرام نیست و جایز است.^۲

۲.۱.۵.۳. جواب حلی: تشبه به کفار شامل موارد خاص است

تشبه به کفار تنها در مواقع خاصی که مختص به ادیان دیگر است، نهی شده است. تا زمانی که نهی از شارع درباره آداب و رسوم اجتماعی وارد نشده باشد، حکم آن‌ها اباحه است و انجام آن‌ها هیچ منعی ندارد.^۳ بنابراین، هر عملی که صرفاً مشابه عمل کفار باشد، نمی‌تواند به عنوان تشبه به کفار تلقی شود. زیرا به عنوان مثال بخاری در کتاب المغازی از صحیح خود در باب غزوة بدر چنین نقل می‌کند:

ابوسفیان برای تحریک مشرکین صدا زد: «أعل هبل، اعل هبل!» (زنده باد هبل، زنده باد بت هبل.) پیامبر فرمود: «شما نیز جواب او را بگویید.» عرض کردند: «چه بگوییم؟» فرمود: «بگویید الله اعلى و اجل.» ابوسفیان بار دیگر شعار دیگری را برای تحریک مشرکان به حمله سر داد: «نحن لنا العزى و لا عزى لكم» (برای

۱. ابن عثیمین، محمد، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱، ص ۴۶.

۲. دویش، احمد، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، ج ۳، ص ۵۹.

۳. ابن تیمیة، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۴۶.

ما عزّت است و شما عزّت ندارید.) پیامبر ﷺ فرمود: «شما نیز جواب او را بگویید.» عرض کردند: «چه بگوییم؟» فرمود: «بگوئید الله مولانا و لا مولی لکم.»^۱

حال با بررسی روایت این نتیجه به دست می‌آید که مجرّد تشابه با کردار کفار و نصاری، دلیلی بر بطلان آن نیست، بلکه مقصود از تشبّه، تشبّه در امور مختص و ویژه آنان، از قبیل صلیب، ناقوس و کراوات است، نه هر عملی که از پیشینیان به مسلمانان رسیده باشد.^۲

۶.۳. جشن میلاد، لوازم فاسدی را به همراه دارد

ششمین دلیل مخالفان در نقد جشن میلاد، به همراه داشتن لوازم فاسد، مانند رقص و آواز حرام، در این جشن هاست. مخالفان معتقد هستند که این همراهی با لوازم فاسد، موجب حرام گردیدن عمل احتفال می‌شود.^۳

۱.۶.۳. نقد و بررسی

۱.۱.۶.۳. جواب نقضی

اگر همراه بودن یک کار فاسد با یک کار جایز، موجب حرام شدن آن کار شود، بسیاری از اعمال جایز دیگر نیز باید حرام اعلام شوند. به عنوان مثال اگر در زمان فریضه حج یا نماز جمعه، کار ناپسندی اتفاق بیفتد، این به معنای حرام بودن خودِ کار حرام است و موجب حرمت فریضه حج یا نماز جمعه نمی‌شود. بنابراین، اصل برگزاری جشن میلاد جایز و مستحب است، اما اعمال خلاف شرع که ممکن است در این مراسم پیش بیاید، باید ممنوع و مذموم باشد.^۴

در همین باره محمد بن یوسف صالحی شاملی، از علمای اهل سنت، مطلبی در جواب شبهه وهابیت بیان می‌کند:

۱. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۱۰، ص ۷۸، ح ۴۰۴۳.

۲. بن باز، عبدالعزیز، مجموع الفتاوی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳. فوزان، صالح، البدع، ص ۸۹.

۴. صالحی شامی، محمد، سبیل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۱.

برخی‌ها گفته‌اند به دلیل وجود برخی مسائل خلاف شرع و حرام در مراسم جشن میلاد پیامبر، اصل جشن میلاد حرام است، باید گفت که حرام بودن، به دلیل وجود برخی اعمال حرام است، نه به دلیل اجتماع مردم برای جشن مولود پیامبر، مثلاً اگر همین امور ناپسند در اجتماع نماز جمعه اتفاق بیافتد، این امور را ناپسند معرفی می‌کنیم، ولی اصل نماز جمعه را حرام نمی‌کنیم و این خیلی روشن است. ما برخی از این امور زشت را در نماز تراویح می‌بینیم که برخی نمازگزاران مرتکب می‌شوند، ولی هیچ‌گاه اصل نماز تراویح را به دلیل این مسائل تحریم نمی‌کنیم، لذا می‌گوییم که اصل اجتماع مردم برای جشن میلاد پیامبر جایز و مستحب است، ولی اعمال خلاف شرعی که احیاناً در این مراسمات پیش آید، ممنوع و مذموم است.^۱

۳.۱.۶.۲. جواب حلی: جشن میلاد ملازمه‌ای با لوازم فاسد ندارد

بین برگزاری مراسم جشن میلاد و انجام امور حرام ملازمه‌ای وجود ندارد. احتمال دارد در این مجالس گناهی انجام گیرد، اما این احتمال نمی‌تواند دلیل بر ترک عمل جایز باشد. اساس و اصل عمل احتفال، پسندیده و مورد تأیید است. حال اگر در برخی جشن‌ها اعمال ناپسند انجام گیرد، آن کار حرام است، اما برگزاری جشن میلاد به خودی خود هیچ مخالفتی با نصوص دینی ندارد و امری مشروع است.^۲

۴. نتیجه‌گیری

تحقیقات انجام شده در کتاب‌های دست اول نشان می‌دهد که مخالفان برپایی جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شش دلیل اصلی، این مراسم را حرام می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که احتفال به عنوان بدعتی در دین، حرمت شرعی دارد و هیچ‌یک از سلف به جواز آن قائل نبوده‌اند. همچنین، روایت «لا تتخذوا قبری عيداً» را به عنوان دلیلی برای منع برگزاری این مراسم مطرح می‌کنند و به این نکته اشاره دارند که این جشن ممکن است به نوعی عبادت غیرخدا تلقی شود. علاوه بر این، آن‌ها بر این باورند که جشن میلاد شبیه

۱. همان.

۲. سبحانی، جعفر، البدعة مفهومها وحدها وآثارها، ص ۱۳۸.

به اعمال کفار است و به لوازم فاسدی مانند رقص و پای کوبی منجر می‌شود. با این حال، بررسی دقیق آیات قرآن و روایات اسلامی نشان می‌دهد که دلایل مخالفان ناتمام و غیرمستند است. آیات و روایات متعدد، به وضوح بر جواز برگزاری جشن میلاد دلالت دارند و سیره مسلمین در طول تاریخ نیز مؤید این موضوع است. بنابراین، برگزاری این جشن نه تنها حرام نیست، بلکه به عنوان یک عمل فرهنگی و مذهبی، فرصتی برای تجدید ارادت به شخصیت والای پیامبر ﷺ و ترویج آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود. در نهایت، ضروری است که مسلمانان با رویکردی علمی و مستند به این موضوع بپردازند و از ایجاد تفرقه و سوءتفاهم پرهیز کنند. این جشن می‌تواند به تقویت وحدت مسلمانان و تجدید عهد با ارزش‌های دینی کمک کند.

فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعانی**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، **الجرح والتعديل**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۲۷۱ق.
۳. ابن اثیر جزری، علی بن محمد، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، بیروت: المكتبة العلمیة، ۱۳۹۹ق.
۴. ابن حاج، محمد بن محمد، **المدخل**، بی جا: دار التراث، بی تا.
۵. بن یاز، عبدالعزیز، **رسالة حكم الاحتفال بمولد النبي**، بی جا: الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمیة والإفتاء والدعوة والإرشاد، چاپ اول، بی تا.
۶. بن یاز، عبدالعزیز، **مجموع الفتاوى**، ریاض: دار القاسم، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **اقتضاء صراط المستقیم**، بیروت: دار عالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوى**، مدینہ: مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **صيد الخاطر**، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۰ق.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **تهذيب التهذيب**، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامیة، ۱۳۲۶ق.
۱۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، **فتح الباري في شرح الصحيح البخاري**، بیروت: دار الطبیة، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۲. ابن حنبل، احمد، **المسند**، قاهره: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۳. ابن خلکان، احمد بن محمد، **وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان**، تحقیق: إحسان عباس، بیروت: دار صادر، ۱۹۰۰م.
۱۴. ابن رجب حنبلی، عبدالرحمن بن احمد، **جامع العلوم و الحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۵. ابن شیخ، احمد، **النجوم الزاهرة في جواز الاحتفال بمولد سيد الدنيا والآخرة**، بی جا: بی نا، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.
۱۶. ابن عبد الوهاب، عبد الرحمن بن حسن، **فتح المجید لشرح کتاب التوحید**، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۳۰ق.
۱۷. ابن عبد الوهاب، عبد الرحمن بن حسن، **رسائل و فتاوى**، ریاض: دار العاصمة، ۱۴۱۲ق.
۱۸. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى و رسائل**، ریاض: دار الوطن للنشر، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۱۹. ابن عدی، عبدالله، **الکامل فی ضعفاء الرجال**، بیروت: کتاب علمی، ۱۴۱۸ق.
۲۰. ابن فارس، احمد، **معجم المقاییس اللغة**، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۱. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، **الروح**، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۲۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، **البدایة والنهاية**، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
۲۳. ابن منظور، محمد، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۰۵ق.
۲۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، قاهره: بی تا، ۱۴۲۲ق.
۲۵. بکری دمیاطی، عثمان بن محمد، **اعانة الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین**، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
۲۶. بوٹی، سعید رمضان، **اهداف الاحتفال بمولد سید الانام محمد**، بی جا: بی تا، بی تا.
۲۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیة**، بیروت: دار العلم الملايين، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ق.
۲۸. گنجی، رسول، «مراحل تطور احتفال میلاد پیامبر در گذر زمان»، **نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش**، ش ۲، ۱۴۰۰ش.
۲۹. حسینی زبیدی، سید مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۰. حسینی عاملی، سید محسن امین، **کشف الارتباب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب**، قم: دار الکتاب الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
۳۱. دویش، احمد، **فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء**، ریاض: رئاسة ادارة البحوث العلمیة والافتاء، ۱۴۲۸ق.
۳۲. ذهبی، محمد بن احمد، **سیر اعلام النبلاء**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۳. ذهبی، محمد بن احمد، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۴. زین، محمود احمد، **البيان النبوي عن فضل الاحتفال بمولد النبي**، دبی: دار البحوث للدراسات الاسلامیة و احیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، **الحاوی للفتاوی**، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۴ق.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **حسن المقصد فی عمل المولد**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۳۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف، **سبل الہدی والرشد**، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و

۳۸. علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۹. طباطبائی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسة الاعلمي للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۳۹۳ق.
۴۰. عاملی، جعفر مرتضی، **المواسم والمراسم**، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۴۱ق.
۴۱. علم الهدی، سید مرتضی، **الرسائل**، قم: دار القرآن الکریم، بی تا.
۴۲. غماری، عبدالله بن الصدیق، **اتقان الصنعة فی تحقق معنی البدعة**، بی جا: بی تا، موقع سفینه النجاة.
۴۳. فاکهانی، عمر بن علی، **المورد فی عمل المولد**، ریاض: دار العاصمة، ۱۴۱۹ق.
۴۴. فوزان، صالح بن فوزان، **البدع**، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۲ق.
۴۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۶. لطفی، علی اکبر، «نقد دیدگاه ابن تیمیة در احتفال بمولد النبی»، **مجله سراج منیر**، ش ۲۸، ۱۳۹۸ش.
۴۷. مالکی حسنی، سید محمد بن علوی، **حول الاحتفال بذکری المولد النبوی الشریف**، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۳۱ق.
۴۸. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۰ق.
۴۹. هاشمی نجف آبادی، سید مصطفی، «بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیة در تشبه به کفار بودن جشن میلاد پیامبر»، **مجله سراج منیر**، ش ۹، ۱۴۰۲ش.